

مقدمه:

نامت به ملاحظت تمام کندوها

و نگاهت

چشمه‌ی زلالی است

به پاکی دل «طاهر»

به پاکی دل «شیخ عبدالقادر»

که سیراب می‌کند کویر تشنه قلبم را

و کلامت

موسیقی آب

وقتی از جویباری با شتاب می‌گذرد

یا وقتی از آبخاری فرو می‌ریزد

آرام

آرام

زیباتر از هر ترانه

هر سرود

ترانه‌ای که پر می‌کند تنهائیم را

در کردستان کمتر کسی پیدا می‌کند که ابراهیمی را نشناسد، استاد سالها در

کردستان به تحصیل علوم و معارف اسلامی و فقه و اصول تا مرحله افتا پرداخته است و

مراتب تحصیل دانشگاهی را نیز از آغاز تا انجام سالهاست که پشت سر نهاده و اکنون

علاوه بر تدریس در دانشگاه، ریاست هیئت مدیره انجمن زبان، فرهنگ و هنرگرد را

عهده‌دار است.

درباره استاد ابراهیمی سخن بسیار است، اما بی‌شک آنچه بشاید گفت و باید

گفت در این مختصر ممکن نیست که مرد بزرگ است و بزرگان را ستودن کار

آسانی نیست

روی در روی و نگه برنگه و چشم به چشم

حرف ما و تو چه محتاج زبان است امروز

درست سال ۱۳۷۳ بود که برای نخستین بار او را دیدم. مقاله‌ای از من در مجله تاوینه خوانده بود، درباره من از استاد علی فیلی پرسیده بود. استاد فیلی شماره تلفن ایشان را به من دادند و من تلفنی با ایشان صحبت کردم. ساعت دو بعد از ظهر یکی از روزهای پاییزی بود که به زیارتش رفتم. کمی پایتزر از خیابان جمهوری وارد کوچه ادهم شدم. زنگ سوم را زدم، آن طرف آیفون جوانی گوشی را برداشت، مرا نمی‌شناخت، بعدها فهمیدم او آزاد ابراهیمی، آخرین فرزند پسر استاد است. همان کسی که پس از مدت کوتاهی یکی از دوستان نزدیک من شد. وارد ساختمان شدم تا طبقه سوم پله‌ها را بالا رفتم. در باز شد. استاد مرا در آغوش کشید، دستانش را بوسیدم و در خدمتش نشستم. همسر استاد زنی بسیار متین و بزرگوار است. از من پذیرایی کرد و آن شد اولین آشنایی من با این خانواده کورده‌وار که کم‌کم من در محضر این استاد بزرگوار درس کردی خواندم و توانستم در مکتب ایشان با ادبیات، تاریخ، فرهنگ و هنر گرد بیشتر آشنا شوم. در یاد گرفتن زبان کردی، استاد ابراهیمی در من تأثیر بسزایی داشته است.

استاد ابراهیمی انسانی ساده و بی‌آلایش است. روحی پاک و منزّه دارد. به آب می‌ماند با همان طراوت و پاکی. از همه به نیکی یاد می‌کند و همه را چه دوست و چه دشمن دوست دارد. بی‌هیچ مجامله و خوش‌آمدگویی عرض کنم که استاد ابراهیمی از عزیزترین و محبوب‌ترین شخصیت‌هایی است که در مدت عمرم سعادت ارادت به ایشان را داشته‌ام. از آن زمان که من شاگرد مکتب ایشان بودم - که هنوز هم ادامه دارد - تا به امروز که همکار ایشان در انجمن زبان، فرهنگ و هنر کرد می‌باشم و درست از آن زمان شش سال می‌گذرد همیشه به این بزرگوار ارادت داشته و دارم.

استاد ابراهیمی مردی با قدی متوسط، با صورتی سفید و دارای چشم‌هایی شاداب و با روح است. او اهل مُد لباس نیست و همیشه لباس‌های ساده می‌پوشد. دارای پنج فرزند

دختر و پسر است که همگی صاحب فضل و کمالند. امروز تربیت فرزندان شایسته از نشانه‌های بارز شخصیت افراد شمرده می‌شود و سپاس که ابراهیمی پنج فرزند ارزنده و فرهیخته تربیت کرده که همگی مایه افتخار ملت کرد و خاندان ابراهیمی‌اند.

همسر استاد ابراهیمی انسان والایی است. در خانه ابراهیمی همیشه بر همه از کرد گرفته تا غیر کرد باز است و میزبانی همسر مهربانش از مهمانان زبانتزد خاص و عام می‌باشد.

استاد ابراهیمی مفتی است و با زبان محکم تنزیل قرآن و جنبه‌های ادبی و دستوری آن به نیکی آشناست و بر ادب فارسی و کردی و عربی و ظرفیتهای این سه محیط است به ویژه در شناخت تاریخ اسلام و سرگذشت ملل و نحل و تحلیل وقایع پندآموز و عبرت‌انگیز قرآن و این همه در ترجمه قرآن ایشان و دیگر آثارش به خوبی آشکار است. با نظری بر ترجمه قرآن کریم و آثار دیگر استاد می‌توان مراتب علمی این بزرگوار را بهتر شناخت. نثر کردی ابراهیمی ساده و روان است و در بیان و گزینش لفظ حسن سلیقه را بکار می‌برد، با این وجود در آثارش هیچ‌گاه معنی فدای لفظ نمی‌شود.

استاد ابراهیمی نمونه یک انسان با فرهنگ و روشنفکر معاصر است او خوب می‌داند که تک بُعدی بودن و تکیه بر این افکار و دور ماندن از اندیشه دیگران بزرگترین مصیبت فرهیختگان و تحصیل کردگان امروزین کرد است، او هرچند شافعی مذهب است و به شافعی بودن خود افتخار می‌کند و حتی یکی از استادان فقه شافعی است، اما ارادت خاصی به ائمه و امامان بزرگوار شیعه دارد. از طرف دیگر استاد به تمام لهجه‌های زبان کردی اعم از کلهری، کرمانجی، سورانی، فیلی، هورامی ولری به یک دید و یک اندیشه نگاه می‌کند و همه را به یک اندازه دوست دارد.

استاد ابراهیمی به معنای واقعی انسان آگاهی است. بر کنار از جنجالها و تبلیغها به نفس شعر عشق می‌ورزد و با قلب و احساسش زندگی می‌کند. یا دم می‌آید بزرگترین مشوق من در سرودن شعر «زخمه بر تنبور ماتم» ایشان بودند. البته نباید تشویق و ترغیب فرزند بزرگوارشان - آزاد ابراهیمی را در سرودن این شعر نادیده گرفت، که این خانواده همه با فرهنگ و ادیبند.

زبان‌گردی یکی از ارکان اصلی هویت ملت‌گرد است. به همین دلیل باید کسانی را که در این راه به اعتلای فرهنگ و زبان‌گرد خدمت می‌کنند ارج نهاد و بر صدر نشانند. ابراهیمی بی‌شک یکی از معدود کسانی است که در طول عمر خود به ادبیات‌گردی خدمت کرده است.

تألیف، ترجمه و تفسیر کتابهایی چون تفسیر سوره یوسف (داستان یوسف)، حرکت و انتفاضه ملک الغازی حضرت شیخ عبدالله نه‌ری - شاه شمزین -، ترجمه کتاب انسان و ایمان تألیف استاد شهید مطهری، کتاب گنجینه‌ی فرهنگ و زانین، آداب و رسوم کردان، با وی کومه لایه تی و میژیوی و...، ژیناوه‌ری زانایانی کورد یا گنجینه فرهنگ و زانست، تاریخ حرکت ژنرال مصطفی بارزانی رهبرکبیر‌گرد و حماسه‌ی حرکت از کوردستان جنوبی و عبور از رود ارس و مهمتر از همه ترجمه قرآن کریم به زبان‌کردی که تا امروز ۵ بار تجدید چاپ شده است و چاپ بیش از دهها مقاله در مجلات و روزنامه‌های مختلف‌گردی و فارسی از جمله خدمات ابراهیمی به ادب، فرهنگ و هنر کرد است متأسفانه موضوع ترجمه قرآن کریم به زبان‌کردی از طرف نویسندگان و صاحب‌نظران‌گرد چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته است. گویی این مساله مهم فراموش شده است. ترجمه قرآن به زبان‌کردی از سه نظر حائز اهمیت است: نخست اینکه قرآن کتابی است که پایه دین مبین اسلام بر آن بناست و دوم اینکه چون قرآن به زبان عربی است، پس درک و فهم آن برای جمعیت زیادی از اکراد که با زبان عربی آشنا نیستند مشکل است. پس ترجمه قرآن به زبان‌کردی در فهم بیشتر این کتاب مقدس، مفید و مؤثر است و سوم اینکه ترجمه قرآن به زبان‌کردی، خدمت به زبان‌کردی است.

علاوه بر آثار ذکر شده ابراهیمی ۹ شماره از مجله «گرشهی کردستان» را منتشر کرده که این کار نیز به نوبه خود یکی از خدمات ارزنده ابراهیمی به زبان و ادب‌کردی است.

بی‌شک نخستین کارها، کوششها و پژوهشها آن هم در قالب یک هفته‌نامه یا ماهنامه کاری بس مشکل و طاقت فرساست و این مهم را کسانی می‌دانند که خود در

مجله یا هفته نامه‌ای تازه تاسیس کار کرده و یا در حال انجام وظیفه‌اند - استاد ابراهیمی که خود از چهره‌های ملی - مذهبی کرد است مدیر مسئول و سردبیر این هفته نامه بود اوایل انقلاب که مقارن بود با سخنرانی تاریخی امام خمینی درباره رسیدگی به ملت کرد که در روزنامه کیهان انتشار یافت تحولی مهم در مناطق کردنشین ایجاد کرد. در آستانه این تحول هنرمندان، نویسندگان و شاعران با درک نیاز زمانه گُرد هریک به فراخور اندیشه و توان خود راههای گوناگونی پیشنهاد کردند که ابراهیمی یکی از چهره‌های، مطرح و خلاق آن دوران بود.

متأسفانه آن سالها که "گرشه کردستان" انتشار می‌یافت کردستان دچار جنگ داخلی بود بنابراین این مجله به دلیل جنگ ایران و عراق و نابسامانی در کردستان مورد استقبال قرار نگرفت همین امر موجب شد که ابراهیمی هفته نامه «گرشه» را به ماهنامه و سرانجام بنا به دلایلی برای همیشه تاریخ بسته شود.

سفرهای استاد همیشه ارمغانی ارزنده به همراه داشته و گزارشهایی که در این سفرها و ماموریتها نوشته‌اند سند گویا و رهنمود قابل اجرا در مسایل علمی به ویژه در زمینه حمایت از زبان و ادب کردی است.

آی مردم

به پایین رود می‌برد آب بخت ما را

بیهوده بالای رود را مجوئید

به دنبال بخت خویش

طی کنید

در جستجویش پایین رود را

اگر که راست می‌گوئید

دستش به شاخه‌ای گیر کرده

نه یک ستون سنگ

خدمت استاد به ملت کرد و کردستان تنها در بخش فرهنگی خلاصه نمی‌شود. استاد ابراهیمی هرگاه خبر می‌یابند که آشنایی یا آشنای آشنایی چشم از جهان بر بسته

است، در مجلس ترحیم او شرکت می‌کنند و بازماندگان را به تعزیتی تسلیت می‌گویند و برای حضار سخنرانی می‌کنند که این عمل شایسته علاوه بر آنکه نشان اصالت و نبالت و صداقت استاد است بلکه حکایت از علو شأن این بزرگوار دارد.

من هرگز با دریا سخن نگفتم

چون هیچ‌گاه

بر سر سفره رنگین کوسه‌ها

به شادی ننشستم

من همیشه با چشمه

با جویبار

و با مردم کردستان سخن گفتم

ابراهیمی در سفر حج نیز بهره‌رسانی علمی را از یاد نمی‌برد و در خانه خدا عبادت مضاعف به جای می‌آورد و در مکه و مدینه به حجاج درس تاریخ اسلام و مسایل دینی می‌گوید

دیرگاهی است

که از تولدی دیگر باره سرشارم

از تصنیف‌های عاشقانه پرم

از تصویر پروانه‌های رقصان

واز اشتیاق ریشه کردن در بهار

لبریزم

ابراهیمی به کردستان عشق می‌ورزد. این سرزمین اهورایی را دوست دارد و به عشق خود به‌گُرد و کردستان پایبند است. من این سخن را به‌گرافه نمی‌گویم، بلکه این فکر و اندیشه را همیشه در آثار و رفتار ایشان دیده‌ام.

تو کردستان تو جسم و جان مایی برای ما تو همچون توتیایی
تویی، تو زادگاه شیرمردان تو خوبی «خوشه ویستی» با صفایی

تویی آرام جانم مُلک اجداد تویی روح و روانم مُلک اجداد
همیشه در همه حال و همه جا تویی ورد زبانم مُلک اجداد
این بود گوشه‌ای از ابعاد شخصیت علمی و ایمانی ابراهیمی از دیدگاه نگارنده این
سطور. در پایان از حضرت حق برای استاد طول عمری همچنان با عزت و عافیت و مزید
موفقیت‌های علمی و اجتماعی ایشان را مسألت دارم.

همچنان که در متن آمد من شعر «زخمه بر تنبور ماتم» را به تشویق و دلگرمی
استاد سروده‌ام. لذا در پایان سخن این شعر را به ایشان تقدیم می‌کنم.

و سلام

احمد زینی‌وند "تهمورث‌گرد ایلامی"

فوق لیسانس زبان و ادب فارسی

دبیر انجمن زبان، فرهنگ و هنر‌گرد،

مسئول بخش ادبی روزنامه رسالت و عضو

نویسندگان مجله‌گردی «آوینه»